

بررسی های حقوقی

دفاتر تجارتي و سندیت آنها

مقدمه:

موارد متعدد و لزوم مراجعه به دفاتر مزبور از سوی دیگر، اهمیت این دفاتر بیش از پیش معلوم میگردد.

بطور کلی میتوان دفاتر تجارتي را به عنوان مهمترین منبع اطلاعاتی درباره عملیات تجارتي هر بازرگان به حساب آورد. تنظیم قانونی این دفاتر، نه تنها برای خود تاجر و اشخاص طرف معامله فواید بسیار دارد، بلکه در موارد معینی نیز مورد استناد مقامات ذی صلاح دولتی قرار میگیرد.

با عنایت به این امور مهم است که قانونگذار، مقرراتی را در زمینه دفاتر تجارتي (شامل: انواع دفاتر، تشریفات تنظیم و شرایط لازم برای استناد به آنها) وضع نموده است.

دفاتر تجارتي از قدیم الایام بهترین وسیله جهت اثبات حق به شمار می رفتند و تجارتي که دفاتر خود را طبق مقررات، تنظیم و نگاهداری نمی نمودند، فقط به هنگام ورشکستگی، مشمول مجازات جزائی میشدند، ولی از اواسط قرن نوزدهم فن حسابداری اهمیت فوق العاده ای پیدا کرد و بعنوان وسیله ای جهت کنترل حسابها، در اختیار مشتریان بانکها و بخصوص اداره وصول مالیات قرار گرفت^۱.

امروزه، با توجه به رشد و توسعه تجارت در ابعاد مختلف و گسترش معاملات و روابط تجار با سایر اشخاص از یکسو، و طبیعتاً پیدایش اختلاف و دعاوی مربوط در

۱ - محمود عرفانی حقوق تجارت دو جلد اعمال تجارتي - تجار - دفاتر تجارتي - برات - سفته -

چک (تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷) جلد اول، ص ۱۰۳.

در قانون تجارت ایران (مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳) از ماده (۶) تا (۱۵) دفاتر تجارتي و مقررات مربوط به آن پيش بيني گردیده و همچنين در تاريخ ۱۳۵۲/۱۲/۳ آئين نامه نحوه تنظيم و نگاهداري دفاتر، در (۲۲) ماده به تصويب رسیده است.

الف- فوايد دفاتر تجارتي: براي تاجر، داشتن دفاتر تجارتي منظم و مرتب، که در آن اعمال تجارتي خود را به ثبت برساند، فوايد مهمي را در بر خواهد داشت. بطور کلي فوايد دفاتر تجارتي ممکن است براي خود تاجر، افراد ديگر و يا دولت باشد.

۱- فوايد دفاتر تجارتي براي خود تاجر- عمدتاً دفاتر مزبور اين امکان را به بازرگان ميدهد تا از وضع اموال، دارايي، بدهي و طلبهاي خود وقوف کامل پيدا کند.

اولين مسأله اي که تاجر با آن روبروست، معاملات متعددي است که در طول زمان با اشخاص ديگر انجام ميدهد و مهمترين مسأله اي که مي تواند اوضاع مالي او را تهديد جدي نمايد، فراموشي اوست. لذا تاجر ميتواند با رجوع به دفاتر تجارتي خود، اين خطر را رفع نمايد.

فايده ديگر دفاتر مزبور، اين است که در صورت رعايت شرايط قانوني، مي توانند در محکمه به نفع تاجر دليل واقع شوند. علت قبول دفاتر بعنوان دليل آن است که،

چون معاملات تجارتي با سرعت انجام ميگيرند، تهيه اسناد مخصوص براي آنها مشکل خواهد بود. بهمين جهت قانون به دفاتر تجار سنديت داده است؛^۱ بطور مثال، اگر تاجري بخواهد براي تنظيم سند هر معامله اي که روزانه انجام ميدهد، به دفتر خانه اسناد رسمي مراجعه نمايد، اولاً، فعاليتهاي مؤسسات توليدي و توزيعي و ساير معاملات تجارتي- که به مقتضاي نيازها و حوايج ضروري جامعه، بايد با سرعت انجام گيرند- مختل ميگردد؛ ثانياً، براي هر معامله، نه امکان مراجعه متعاملين به دفترخانه وجود دارد و نه دفترخانه ها گنجائش و توانايي ثبت چنين معاملاتي را دارند و ثالثاً، با توجه به حجم وسيع معاملات تجاري (چه در داخل و چه خارج از کشور) ثبت معاملات تجار با تابعيتهاي مختلف، مشکلات زيادي از جمله رعايت مقررات حقوق بين الملل خصوصي را، بوجود مي آورد.

مسأله ديگري که براي بازرگان اهميت ويژه اي دارد، تعيين بهاي فروش اجناس از روي دفاتر تجارتي مي باشد. تاجر بايد قيمت فروش کالاي خود را طوري تعيين نمايد که ضمن تأمين مخارج خود و تجارخانه اش، امکان رقابت بيشتري را با رقبای خود در بازار داشته باشد.^۲

فايده اي ديگر براي دفاتر مزبور آن است که تاجر با مراجعه به آنها، مي تواند اطلاع

۱- عبدالحميد اعظمي زنگنه، حقوق بازرگاني، (بي جا: بي نا، ۱۳۵۳) ص ۳۲.

۲- محمد صقري، جزوه حقوق تجارت، (تهران: انتشارات دانشکده علوم قضايي بي نا) ص ۷۸.

پیدا کند که احتمالاً از چه موقع ضرر میدهد و علت آن چیست. فلذا می‌تواند با بررسی اوضاع داخلی مؤسسه و کیفیت معاملات سابق و سایر عوامل مربوطه، خطر را رفع نموده، از ورشکستگی احتمالی نجات یابد. همچنین بازرگان از طریق دفاتر مزبور می‌تواند ورود و خروج کالا را کنترل نماید.

۲- فواید دفاتر تجاری برای سایر اشخاص: در دو مورد اشخاص میتوانند از دفاتر تجاری تاجر استفاده نمایند: اول- درجائی که دعوائی میان یک تاجر و شخص دیگر (اعم از تاجر و غیر تاجر) در دادگاه مطرح باشد. در این صورت شخص مزبور میتواند به دفاتر تجاری بازرگان استناد جوید. زیرا، دفاتر مزبور، در هر حال علیه خود تاجر سندیت دارد!

ماده (۳۰۱) قانون مدنی در این مورد چنین مقرر داشته است: «هرگاه یکی از طرفین به دفاتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود...».

دوم- در صورتی که تاجری از تأدیة دیون خود بازمانده، ورشکست گردد. در این صورت از طریق مراجعه به دفاتر تجاری، می‌توان طلب طلبکاران را تعیین و در حدودی که دارایی ورشکسته کفایت می‌کند، پرداخت نمود.^۲

۳- فواید دولتی دفاتر تجاری: دفاتر مزبور در دو مورد میتوانند مورد استفاده مقامات دولتی قرار گیرند:

اول- جهت اخذ مالیات، بدین ترتیب که مأمورین اخذ مالیات^۳ می‌توانند با مراجعه به دفاتر تجاری، میزان مالیات بر عایدات را تشخیص و وصول نمایند. زیرا، این دفاتر، بهترین مدرک، برای اثبات سودویان سالانه تاجر به حساب می‌آیند.

در صورتی که دفاتر تجاری از طرف ممیز مالیاتی رد شود^۴، با تأیید هیأتی متشکل از سه نفر حسابرس به انتخاب وزیر دارائی (بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳) موجبات تشخیص «علی الرأس» مالیات بر درآمد

۱- مطابق ماده (۱۳۰۰) قانون مدنی: «در مواردی که دفتر تجاری بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد». اما اینکه دفتر مزبور در چه مواردی به نفع تاجر (صاحب آن) سندیت دارد (که در هر صورت شامل مورد فوق نخواهد بود) را بعداً توضیح خواهیم داد.

۲- اعظمی زنک، پیشین، ص ۳۲.

۳- مطابق ماده (۲۲۰) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳، مأموران تشخیص مالیات عبارتند از: کمک ممیز مالیاتی، ممیز مالیاتی، سر ممیز مالیاتی و ممیز کل مالیاتی.

۴- بعضی از موارد رد دفاتر مزبور به این شرح است: الف- تراشیدن، پاک کردن، محو کردن مندرجات دفتر روزنامه وکل و نوشتن بین سطور. ب- جای سفید گذاشتن در هر صفحه در دفتر روزنامه بیش از حد معمول... ج- ثبت نام یک عملیات بین سطور دفتر. د- تأخیر تحریر دفتر روزنامه و کل زاید بر حد مجاز مقرر.

شرکتها و دارندگان کارت بازرگانی فراهم میگردد.

منظور از تعیین مالیات علی الرأس، این است که ممیز مالیاتی، برگ تشخیص مالیات را بر اساس اطلاعات مکتسبه خود که بر مبنای اطلاعات و دلائل کافی مانند: فاکتورهای فراموش یا خرید و... می باشد، تنظیم و شخصاً امضاء می نماید^۱.

دوم- جهت تعیین ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، بدین معنی، که اگر تاجر ورشکسته اعلام شود، باید دلائلی در دست باشد تا دادرس به اقتضای مورد، ورشکسته را به تقصیر یا تقلب اعلام و حکم به محکومیت وی صادر نماید^۲.

ب: انواع دفاتر تجاری: مطابق ماده (۶) قانون تجارت، هر تاجری به استثناء کسبه جزء مکلف است دفاتر تجاری ذیل را دار

باشد: ۱- دفتر روزنامه. ۲- دفتر کل، ۳- دفتر دارائی، ۴- دفتر کپیه. همچنین در صورت لزوم، وزارت داد گستری میتواند دفاتر دیگری را بموجب نظامنامه، قائم مقام این دفاتر قراردادد. شاید علت پیش بینی مقتن آن است که دفاتر مذکور در ماده ۶ قانون تجارت، برای همه طبقات تجارت عملی نباشد، و صلاح باشد که مثلاً بجای دفتر روزنامه و دفتر کل، دفتر ساده تری برای تاجر جزء، مقرر دارند و یا اینکه عادات و رسوم تجاری، دفتر جدیدی را به جای یکی از این دفاتر، معمول بدارد^۳. به این جهت به وزارت داد گستری اجازه داده است که بموجب نظامنامه آنها را قائم مقام قراردادد.

بنابراین هر تاجر، یعنی کسی که شغل معمولی خود را عملیات تجاری قراردادد^۴ (اعم از ایرانی و خارجی مقیم ایران) به استثنای کسبه جزء^۵، مکلف به داشتن دفاتر

۱- عرفانی، پیشین، .

۲- برای کسب اطلاع بیشتر، به مواد (۵۴۱) و (۵۴۲) قانون تجارت مراجعه شود.

۳- اعظمی زنگنه، پیشین، ص ۳۳.

۴- ماده (۱) قانون تجارت. همچنین لازم به ذکر است که عملیات تجاری در ماده (۲) و (۳)

قانون مذکور احصاء گردیده است.

۵- ماده (۱۹) قانون تجارت، تشخیص کسبه جزء را از تاجر به نظامنامه وزارت داد گستری موکول نموده که در حال حاضر نظامنامه مزبور به لحاظ کاهش ارزش پول، فایده عملی خود را از دست داده است. لذا ضرورت تعیین ضوابطی جهت تشخیص کسبه جزء، با توجه به اوضاع و شرایط اقتصادی جامعه، از سوی قانونگذار احساس میشود. مطابق آئین نامه وزارت داد گستری (مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵) کسبه جزء به اشخاص ذیل اطلاق می شود: ۱- کسانی که فروش سالیانه آنها از ۱۲۰۰۰۰ ریال تجاوز نکند. ۲- شوهر، گاریچی و مکاری (کرایه دهنده چهار پایان مانند اسب و غیره) از هر قبیل. ۳- سایر متصدیان حمل و نقل به شرطی که عایدی غیر خالص سالیانه آنها از ۱۲۰۰۰۰ ریال تجاوز نکند و در طبقه مذکور در بند (۲) هم نباشند.

بطور کلی فواید دفاتر تجارتي ممکن است برای خود تاجر، افراد ديگر و يا دولت باشد: تاجر ميتواند از طريق دفتر مزبور از وضع اموال، دارايی، بدهی، طلب، ميزان معاملات و نرخ خريد و فروش کالاها، اطلاع کامل بدست آورد. همچنين ساير افراد ميتوانند در دعاوی، به دفاتر تاجر استناد کنند، يا در صورت ورشکستگی تاجر طلب خود را تعيين نمايند؛ و به همين ترتيب، دولت نيز قادر خواهد بود ميزان ماليات را از طريق دفتر مزبور معين سازد.

حجم زياد عمليات تجارتي و امور مربوط به بازرگانی، معاملات مختلف با تأخير در دفتر ثبت گردد که در اين صورت بنظر ميرسد در حدود عرف و عادت تجارتي بلا اشکال خواهد بود، زيرا، اولاً رعايت دقيق حکم مزبور با توجه به وسعت زياد و تنوع عمليات تجارتي، عملاً غير ممکن است؛ ثانياً، عدم توجه به جنبه های عملی تجارت، يعنی مسائلی که تاجر عملاً در انجام عمليات تجارتي و ثبت دفاتر و غيره با آن مواجه است، شايسته بنظر نمی رسد.

بموجب قسمت اخير ماده مزبور، بازرگان همچنين مکلف به انعکاس مبالغی است که خود، جهت زندگی روزمره برداشت میکند. وجوهی که تاجر به خود اختصاص میدهد بايد متناسب با درآمد مؤسسه او باشد. لذا اگر مخارج زندگی غير متعارفی را بر امکانات مؤسسه تحميل، و در نتيجه ورشکست اعلام گرديد، مطابق شق (۱) ماده (۵۴۱) قانون تجارت ورشکسته به تقصير اعلام خواهد شد^۱، که چنين

مزبور است.

غير از دفاتری که قانون ذکر کرده است، در تجارت، دفاتر ديگري نيز معمول می باشد ولی عمومی نيست و به اين جهت علی رغم پيش بينی مقرر، قانون لازم ندیده است آنها را اجباری قرار دهد، از قبيل: دفتر انبار، دفتر خريد، دفتر فروش و دفتر صندوق.

۱- دفتر روزنامه: مطابق ماده (۷) قانون تجارت، دفتر روزنامه دفتری است که تاجر بايد همه روزه مطالبات و ديون و داد و ستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق بهادار^۱ از قبيل: خريد و فروش و ظهر نویسی و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتي خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن ثبت نمايد. بدین ترتيب ملاحظه می شود که دفتر روزنامه، اساس کار تجارت بوده و تاجر بايد تمام عمليات تجاری خود را بطور روز مره با تميد تاريخ در آن منعکس نمايد.

نکته قابل ذکر اينکه، ممکن است بر اثر

۱- اوراق بهادار مانند: سهام شرکته و اوراق قرضه.

۲- محمد صقری، پيشين، ص ۸۰.

مسئله ای مجازات جزائی نیز در پی خواهد داشت.

مطابق ماده (۱۱۵) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مجازات ورشکسته به تقصیر از سه ماه تا دو سال حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.

امروزه دفتر روزنامه نمی‌تواند منحصر به فرد باشد. زیرا، با توجه به تراکم معاملات و اینکه ممکن است در هر روز معاملات زیادی در دفتر مذکور تحت عنوان بدهکار و بستانکار به ثبت برسد، استفاده از آن و تشخیص عملیات تاجر بسیار مشکل میگردد^۱. لذا به منظور رفع مشکلات مزبور، تبصره ماده (۳) آئین نامه نحوه تنظیم و نگاهداری دفاتر (مصوب ۱۳۵۲/۱۲/۳ وزارت دارائی) نگاهداری دفاتر ذیل را جهت معاملات یا به منظور هر طبقه از آنها پیش بینی نموده است: دفتر روزنامه صندوق، دفتر روزنامه بانک، دفتر روزنامه معاملات غیرنقدی مانند خرید و فروش نسبه و اقساطی و غیره. بدین ترتیب مؤسسات مهم تجارتي قادر خواهند بود جهت تسهیل امور دفتری خود، چندین دفتر روزنامه داشته باشند^۲.

۲- دفتر کل: دفتر کل دفتری است که کلیه عملیات ثبت شده در دفتری یا دفاتر روزنامه بر حسب سرفصل یا کد گذاری حسابها، در صفحات مخصوص آن ثبت میشود به ترتیبی که نتیجتاً تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه از آن امکان پذیر باشد. (ماده ۳ آئین نامه نحوه تنظیم و نگاهداری دفاتر).

در مورد مدت انتقال عملیات ثبت شده دفتر روزنامه به دفتر کل، بین ماده (۸) قانون تجارت و ماده (۱۱) آئین نامه یاد شده اختلاف وجود دارد. ماده (۸) قانون تجارت چنین مقرر میدارد: «دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را «لا اقل هفته ای یک مرتبه» از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص داده و جدا نموده و هر نوعی را در صفحه مخصوصی از آن دفتر بطور خلاصه ثبت نماید. در حالی که، ماده (۱۱) آئین نامه مذکور مقرر نموده: کلیه عملیات ثبت شده در دفتر روزنامه «هر ماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد» به دفتر کل منتقل گردد.

بنظر میرسد از آنجائی که آئین نامه مزبور (مصوب ۱۳۵۲) بیش از چهل سال بعد از

۱- محمود عرفانی، پیشین، ص ۱۰۷.

۲- ماده (۳) آئین نامه فوق، دفتر روزنامه را چنین تعریف کرده است: «دفتر روزنامه دفتری است که اشخاص حقوقی یا حقیقی کلیه عملیات مالی و پولی خود را اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهرنویسی و هرگونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند و سایر عملیات محاسباتی که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفتر داری در پایان دوره مالی برای تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه لازم است بلا استثناء به ترتیب تاریخ وقوع در آن ثبت کند».

تصویب قانون تجارت تدوین گردیده و طبیعتاً همگام با رشد و توسعه تجارت، واقعیت‌های بازرگانی را بیشتر و بهتر مورد توجه قرار داده، لذا حکم مندرج در ماده (۸) قانون تجارت در مورد مدت انتقال عملیات ثبت شده در دفتر روزنامه را، عملاً منسوخ نموده است.

از آنجا که تفکیک عملیات تاجر مسلماً در دفتر روزنامه امکان ندارد، لذا مقنن دفترکل را پیش بینی نموده است. در واقع، دفترکل، تصویر کلی یا خلاصه تفکیک شده از دفتر روزنامه است که در آن، معاملات تاجر اعم از خرید، فروش، مطالبات یا دیون، تحت نظم و عنوان حسابهای مشخصی، به ترتیب وقوع به ثبت میرسد.

با این وجود، تعریف مذکور نمی‌تواند برای رفع نیازهای بنگاههای بزرگ تجاری که اقلام زیادی بدهکار و بستانکار دارند، جوابگو باشد. زیرا، با وجود عملیات متنوع تاجر و جهت دسترسی آسان به حسابهای بنگاه تجاری و یا مشتریان و همچنین به منظور احتساب تفاوت ستونهای طلبکار و بدهکار، تاجر نیاز به تجزیه و تفکیک دقیق عناوین حساب دفترکل دارد و برای رسیدن به این هدف باید از دفتر «مُعین» که ممکن است بصورت کارتهای حساب باشد، استفاده شود. این کارتها یا با دست، تکمیل و یا توسط ماشینهای حسابگر مکانیکی یا الکترونیکی تهیه و تنظیم میشوند^۱.

در ماده (۵) آئین نامه نحوه تنظیم و نگاهداری دفاتر، قانونگذار دفتر مُعین را به منظور تفکیک و تجزیه هر یک از حسابهای دفترکل پیش بینی نموده و به کارتهای حساب، ارزش دفتری داده است.

۳- دفتر دارائی: مطابق ماده (۹) قانون تجارت: «دفتر دارائی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیره منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده، در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

غرض قانونگذار در این ماده آن است که بازرگان، در پایان هر سال، از وضعیت مالی خود وقوف کامل حاصل نماید و بتواند نتیجه فعالیت‌های تجاری انجام شده در طول سال را با سالهای قبل مقایسه و نتیجه‌گیری لازم را بنماید. در عین حال، که وجود دفتر دارائی برای تاجر امری ضروری بنظر میرسد و در واقع خلاصه دفتر مزبور را باید بعنوان ترازنامه سالیانه عملیات تاجر به حساب آورد؛ لکن، آئین نامه نحوه تنظیم و نگاهداری دفاتر، در ماده (۲) خود، فقط دفاتر روزنامه و کل را - اعم از مشترک یا جدا از یکدیگر - قانونی دانسته و مقرر میدارد که دفاتر مذکور باید به زبان فارسی تحریر شوند...

در حال حاضر نیز، دفاتر الزامی تجار که در تهران از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک (دایره پلمب دفاتر تجاری) مطابق

۱- محمود عرفانی، پیشین، ص ۱۱۱.

تشریفات قانونی، تنظیم می‌گردد، دفتر روزنامه و کل می‌باشد.

لازم به ذکر است که در شرکتهای تجاری (بخصوص شرکتهای سهامی) بجای تشکیل دفتر دارائی، تنظیم ترازنامه^۱ یا بیلان اجباری بوده، که بموجب تصویب نامه مورخه ۲۷ آبان ۱۳۴۰ می‌باید همه ساله در روزنامه رسمی کشور انتشار یابد.^۲

۴- دفتر کپیه: در این دفتر، مطابق ماده (۱۰) قانون تجارت باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره تاجر یا شرکت تجاری به ترتیب تاریخ در آن ثبت گردد و همچنین بنابه تبصره ماده مذکور کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده نیز باید به ترتیب تاریخ ورود مرتب شده و در پوشه مخصوصی ضبط گردد.

در دفتر کپیه رونوشت کلیه اسناد صادره از سوی تاجر به ترتیب تاریخ ثبت میشود. این اسناد یا اوراقی است که تاجر به تاجر یا اشخاص دیگر نوشته و یا صورت تلگرافی است که برای مخابره می‌فرستد و یا صورت حسابهایی است که برای اشخاصی که با او طرف حساب هستند، ارسال می‌گردد.^۳ ولی نامه‌ها و تلگرافها و صورت حسابهای وارده عیناً در پرونده مخصوصی ثبت و نگهداری

می‌گردند.

همانگونه که پیشتر اشاره شد، آئین نامه نحوه تنظیم و نگهداری دفاتر، بیشتر از دو نوع دفتر (روزنامه و کل) را برای تاجر الزامی ندانسته است. امروزه کاربرد دفتر کپیه، عملاً منتفی گردیده و بنگاههای تجاری از سیستم ثبت و بایگانی پیشرفته بجای دفتر کپیه استفاده می‌نمایند.

نگهداری دفتر کپیه نامه‌ها از تاریخ تصویب قانون ۱۹۵۳ در فرانسه الزامی نیست، بلکه هر تاجر مکلف است نامه‌های وارده و رونوشت نامه‌های صادره را طبقه بندی کرده و به مدت ده سال نگهداری نماید.^۴

ج- تشریفات تهیه دفاتر و نگهداری آنها: مطابق ماده (۱۱) قانون تجارت دفاتر مذکور در ماده ۶- به استثناء دفتر کپیه- قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد توسط نماینده اداره ثبت، امضاء خواهد شد... در موقع تجدید سالیانه هر دفتر باید مقررات این ماده رعایت گردد. ماده (۱۲) اضافه میکند: دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم میشود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است

۱- ترازنامه (Bilan) شامل دو ستون است: یکی ستون ارقام دارائیهها و دیگری ستون ارقام بدهیهای شرکت.

۲- محمد صقری، پیشین، ص ۸۰.

۳- اعظمی زنگنه، پیشین، ص ۳۵.

۴- محمود عرفانی، پیشین، ص ۱۱۶.

دفاتر تجارتي عبارتند از: دفتر روزنامه، كل، دارایی و كپیه، كه در حال حاضر تنها دفتر روزنامه و كل، برای تجار الزامی است. البته تجار می‌توانند از دفاتر دیگری نیز در امور تجارتي استفاده نمایند كه اگر مطابق مقررات قانونی ثبت و پلمب گردد، میتوان در دعاوی به آنها استناد نمود.

در یافت میشود!

اما در زمینه نگاهداری دفاتر، مطابق ذیل ماده (۱۳) قانون تجارت، تاجر باید تمام دفاتر مزبور را از ختم هر سالی، لااقل تاده سال نگاهدارد.

سؤالی كه مطرح میشود، این است كه آیا نگاهداری «اسناد مربوط» به ثبت عملیات در دفاتر بازرگان نیز تاده سال ضرورت دارد یاخیر؟

قوانین تجارت و مدنی در این مورد تصریحی ندارد ولی چون اسناد مزبور، مدرک ثبت اقلام دفاتر هستند و مراجعه به آنها هنگام رسیدگی و استفاده از دفتر ضرورت پیدا میکند، لذا حفظ آنها در این مدت مفید و لازم می‌باشد. در مورد بانكها، در بند (د) ماده (۷۹) قانون پولی و بانكی كشور (مصوب ۱۳۳۹/۳/۷) قید گردیده كه بجای نگاهداری عین اسناد و اوراق، شورای

صفحات دفتر را شمرده، در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته، با قید تاریخ، امضاء، و دو طرف قیطان را با مهر سربی كه وزارت دادگستری برای این مقصود تهیه می‌نماید منگنه كند. لازم است كلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود. این دو ماده به بالا بردن اعتبار دفاتر تجاری و قابل استناد نمودن آنها در دعاوی ارتباط می‌یابد. با پلمب شدن این دفاتر، امکان اضافه كردن برگهای جدید و مالا قلب حقیقت، تا حدود زیادی از بین میرود. در مورد حق الثبت پلمب دفاتر مزبور، مطابق بند (ه) تبصره قانون بودجه سال ۱۳۶۳ كل كشور، به ازاء هر يكصد صفحه دفتر تجارتي ۲۰۰ ریال خواهد بود. همچنین، برای کمتر از يكصد صفحه حق الثبت يكصد صفحه (یعنی ۲۰۰ ریال)

۱- مطابق ذیل ماده (۱۱) قانون تجارت حق امضاء دفاتر مذکور در ماده (۶) به استثناء دفتر كپیه، از قرار هر يكصد صفحه با كسور آن دو ریال و بعلاوه، مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است. از طرفی شق اول ماده (۳۵) قانون ثبت مقرر میدارد: «بركلیه حقوقی كه اداره ثبت... مأخوذ میدارد به استثناء حق الاجراء، صدی بیست و پنج اضافه میشود...». بنابراین به لحاظ ناچیز بودن مبلغ مذکور در ماده (۱۱) قانون تجارت و تناسب آن با ارزش پول در سال تصویب قانون مذکور (سال ۱۳۱۱)، قانونگذار در سال ۱۳۶۳ این مبلغ را به ازاء هر يكصد صفحه ۲۰۰ ریال افزایش داده است.

پول و اعتبار می‌تواند تجویز نماید، پس از مدت ده سال از تاریخ وصول اسناد یا صدور آن از بانک، از آنها عکس برداری شود و در این صورت فیلم یا عکسهای مزبور در دادگاه سندیت خواهد داشت.^۱

و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود بکار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد، بین تجار در امور تجاری، سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود».

د- سندیت دفاتر تجاری: الزام به تهیه و نگاهداری دفاتر تجاری، از اصول سرعت و تقویت اعتبار^۲ در بازرگانی پیروی می‌نماید. بازرگان، معاملات، پرداختها، و ارقام دریافتی خود را - که بر اساس اصل سرعت در امور تجاری، بدون رعایت تشریفات حقوق مدنی، حتی با وصول تلگراف، نامه و یا تماس تلفنی صورت می‌گیرد - به انجام می‌رساند و مراتب را با رعایت ترتیبات قانونی در دفاتر تجاری خود ثبت کرده تا بموقع بتواند از سندیت آنها در مقام دفاع یا احقاق حق استفاده نماید.^۳

آنچه از مفاد ماده مذکور استفاده میشود این است که دفاتر تجاری ممکن است هم به نفع صاحب آن دلیل واقع شوند و هم به ضرر او.

۱- اسناد به نفع تاجر: برابر ماده (۱۴) قانون تجارت در صورتی دفاتر مزبور، می‌توانند دلیل به حساب آیند که اولاً، مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشند؛ ثانیاً، طرفین دعوی بازرگان باشند؛ ثالثاً، اختلاف از امور تجاری حاصل شده باشد: ماده (۱۲۹۷) قانون مدنی نیز همین مفهوم را می‌رساند:^۴ «... دفاتر تجاری در موارد دعوی تاجر بر علیه تاجر دیگر، در صورتی که دعوا از محاسبات و مطالبات تجاری

در این رابطه ماده (۱۴) قانون تجارت مقرر داشته است: «دفاتر مذکور در ماده (۶)

۱- کریم کیانی، حقوق بازرگانی، چاپ سوم (بی جا: بی نا، ۱۳۵۴) ص ۷۵.

۲- اصل سرعت که مقتضای طبیعت تجارت است به معنای انجام سریع معاملات و عملیات تجاری اعم از تولید و توزیع کالا و مسائل مربوط به آن می‌باشد. همچنین، تقویت اعتبار، اعم از اعتبار شخصی و مالی بازرگان است که برای انجام بهتر و سریعتر معاملات و جلب اعتماد دیگران در روابط تجاری مورد نیاز می‌باشد.

۳- محمد صقری، پیشین، ص ۸۴.

۴- قانون مدنی حاوی اصول، قواعد و مقررات کلی است که روابط حقوقی افراد را در زندگی اجتماعی آنها تنظیم میکند و از این جهت نسبت به قانون تجارت که حاکم بر روابط معاملاتی تجار و اعمال تجاری آنهاست کلیت بیشتری دارد، هر چند هر دو، در تقسیم بندی حقوق خصوصی قرار می‌گیرند. لذا قانون تجارت در حد تعارض بر قانون مدنی در روابط تجاری، حاکمیت دارد و در مواردی که حکم مورد نیاز مسائل

حاصل شده باشد، دلیل محسوب میشود، مشروط بر اینکه دفاتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند».

منظور از تنظیم دفاتر تجارتي، همانگونه که پیشتر اشاره کردیم، عبارت از پلمب و نگهداری آنها طبق مواد (۱۱) تا (۱۳) قانون تجارت می باشد.

مفهوم مخالف قسمت اخیر ماده (۱۲۹۷) این است که در صورت غیر قانونی بودن دفاتر مزبور، در دعاوی تجاری برای صاحب آنها دلیل محسوب نمی گردند. این همان موضوعی است که در ماده (۱۲۹۹) قانون مدنی نیز پیش بینی شده است؛ بر اساس ماده مزبور: دفتر تجارتي در موارد مفصله زیر، دلیل محسوب نمیشوند: ۱- در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد. ۲- وقتی که در دفتری ترتیبی و اغتشاش کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد. ۳- وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

۲- طرفین دعوی، بازرگان باشند. دلیل این امر آن است که در مقابل ابراز دفاتر بازرگانی تاجر، اگر طرف دعوی تاجر نباشد، بدلیل نداشتن دفاتر تجارتي متقابل، احتمال می رود حقوق وی تضییع گردد. زیرا وسیله خنثی نمودن محتویات دفاتر بازرگان

را ندارد. بر این اساس است که مقنن در ماده ۱۴ قانون تجارت مقرر داشته که طرفین دعوی باید بازرگان باشند. از طرفی ماده (۱۲۹۸) قانون مدنی نیز مؤید همین حکم است: «دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد، فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود». منظور از حکم صدرماده مزبور، این است که تاجر در مقابل غیر تاجر، نمی تواند از دفاتر تجارتي خود استفاده کند اما غیر تاجر بطور مشروط می تواند به دفتر تاجر طرف دعوی استناد جوید.

ماده فوق در ادامه میگوید: «... لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد، نمی تواند تفکیک کرده، آنچه را که بر نفع اوست قبول و آنچه که بر ضرر اوست رد کند، مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند». بنابراین از قسمت اخیر ماده مذکور معلوم می گردد که اگر کسی (اعم از تاجر و غیر تاجر) در دادگاه به دفتر بازرگانی، استناد کند، مطالبی از دفتر بازرگان که به ضرر اوست، در صورت عدم اثبات بی اعتباری آن، در دعوی مطروحه به نفع دارنده آن دفاتر، دلیل محسوب خواهد شد^۱. مطلب دیگر اینکه، انکار مستندات دعوی، احتیاج به ابراز دفاتر تجارتي ندارد. زیرا، خواننده (مدعی علیه^۲) با انکار دین خود، عدم اشتغال ذمه و براءت خود را اعلام نموده است

▷ مربوط را در قانون تجارت نیافتیم، باید به قانون مدنی مراجعه نمائیم، چنانکه در شرایط عام اشتغال به تجارت، این عمل را انجام میدهیم.

۱- محمد صفری، پیشین، ص ۸۶. ۲- منظور، کسی است که علیه او اقامه دعوی میگردد.

گاهی دفاتر تجارتي به نفع تاجر دليل محسوب ميشوند، در غير اين صورت عليه او سنديت خواهند داشت.

۲- استناد به ضرر تاجر: قبلاً ملاحظه گرديد که دفتر تجارتي در موارد مذکور در ماده (۱۲۹۹) قانون مدني سنديت نداشته و دليل محسوب نميشود. اما با وجود اين ماده (۱۳۰۰) قانون مذکور مقرر ميدارد: «در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دليل نيست، بر ضرر او سنديت دارد».

حکم اين ماده، موافق با اصول کلي حقوقی است. زيرا، مندرجات دفتر تجارتي که مطابق قانون تنظيم نشده است لا اقل، بعنوان یک اقرار، عليه تاجر ميتواند مورد استناد واقع شود^۳. ماده (۱۲۵۹) قانون مدني ميگويد: «اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غير، بر ضرر خود»، که اين اقرار ممکن است شفاهي يا کتبي باشد (ماده ۱۲۸۰ ق.م.ا). لذا در صورتي که به دفتر بازرگان استناد شود و اين دفاتر عليه او در دادگاه مدرک قرار گيرند، نامبرده نمی تواند به بهانه اينکه دفاتر او بطرز قانونی تنظيم نشده و يا پلمبه نيستند، آنها را از عداد دلائل طرف دعوی خارج نمايد. تنها در يک صورت است که اقرار صاحب دفتر عليه او نافذ نمی باشد و آن زماني است که تاجر

(اصل، عدم مديونيت شخص به ديگري است). از طرفی هيأت عمومي ديوان کشور در اين مورد چنين نظر داده است: «در صورتيکه مدعی عليه منکر مديونيت خود باشد از نظر اینکه انکار، نیاز به دليل ندارد، اثبات دعوی بر عهده مدعی است^۱».

قسمت اخير نظريه فوق مستند به نص صريح ماده (۱۲۵۷) قانون مدني است. اين ماده ميگويد: «هرکس مدعی حقی باشد بايد آن را اثبات کند...».

۳- اختلاف از امور تجارتي حاصل شده باشد. جز موردی که تاجر بايد برداشتهای خود را در دفتر تجارتي منعکس نمايد (ذيل ماده ۷ ق.ت.)، ساير امور غير تجارتي تاجر با اشخاص ديگر (اعم از بازرگان و غير بازرگان) محلی در دفاتر تجارتي نخواهند داشت فلذا اين دفاتر در اختلافات مربوطه قابل استناد نبوده و نمی توانند دليل واقع شوند.

با عنايت به ماده (۱۴) قانون تجارت و مواد (۱۲۹۷) و (۱۲۹۹) قانون مدني است که تاجر می تواند از دفاتر تجارتي خود، به عنوان دليل استفاده نمايد.

۱- رأی شماره ۵۴۸ - ۱۳۳۸/۲/۴، آرشیو حقوقی کیهان، سال ۲۸ تا ۱۳۴۲، ج ۲، چاپ دوم سال

ورشکست گردیده، از پرداخت دیون خویش عاجز باشد، در عین حال با تبانی دیگری، به نفع وی اقرار نموده و او را جزء بستانکاران قلمداد نماید.

ماده (۱۲۴۶) قانون مدنی در این مورد میگوید: «اقرار مُفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دُتان (بستانکاران) نافذ نیست». اما در سایر موضوعات، دفتر تاجر علیه او سندیت دارد اعم از اینکه استاد کننده بازرگان و یا غیر بازرگان باشد.

ممکن است تصور شود، احتمالاً بازرگان سعی در عدم ابراز دفاتر خود خواهد نمود و به بهانه مفقود شدن، آنها را به ضرر خود در محکمه ارائه نخواهد داد.

در اینجا، برای جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، ماده (۳۰۱) قانون آئین دادرسی مدنی مقرر میدارد: «هرگاه یکی از طرفین به دفاتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود... هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفاتر خود امتناع کند، مگر اینکه ثابت نماید دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد». والا در صورت عدم اثبات تلف یا عدم دسترسی به دفتر، دادگاه میتواند آن را از ادله مثبت اظهار طرف، قرار دهد.

باید دانست، در صورتی که بطور کلی به دفاتر تجاری شخص بازرگانی استناد شود،

او میتواند از ابراز آن خودداری کند و از دادگاه بخواهد تا طرف دعوی، قسمت معینی از دفتر را تعیین و به اطلاع او برساند. در این وضعیت اگر خواهان اقدامی ننمود و خواننده، از ابراز دفاتر خود استتکاف کرد، محکمه نمی‌تواند عدم ارائه دفاتر بازرگان را ملاک قرارداد، اماره‌ای به نفع طرف دیگر ثبت و او را حاکم نماید.

این امر با موازین قانونی و عرف و عادت تجاری تطبیق کامل دارد زیرا دفاتر بازرگان حاوی اسرار زندگی تجاری اوست فلذا نباید تاجر را مجبور به ارائه تمام قسمتهای آن نمود و بدین ترتیب موجبات کشف اسرار تجاری وی را برای رقبایش فراهم ساخت.

در حقوق فرانسه ابراز قسمت معینی از دفاتر یا «Representation» بعنوان یک قاعده پذیرفته شده و ارائه کلی دفاتر یا «Communication» را تنها در موارد خاصی اجازه داده‌اند^۱ موارد مزبور به شرح ذیل است:

- ۱- امور مشترک بین زوجین، ۲- وراثت بازرگان (دعوی ارث)، ۳- تقسیم اموال شرکت، ۴- در مورد ورشکستگی بازرگان، ۵- جهت رسیدگی به امور مالیاتی، ۶- بموجب قرارداد منعقد بین طرفین.

چون در این موارد تمام ذوی الحقوق در اطلاع یافتن از وضع عملیات و محاسبات ذی نفع می‌باشند استناد به تمام دفاتر اجازه داده شده است^۲. در قانون تجارت ایران،

۱- محمد صقری، پیشین؛ ص ۸۹؛ کیانی، پیشین، ص ۸۱.

۲- کریم کیانی، پیشین، ص ۸۱. همچنین اعظمی زنگنه پیشین، ص ۳۹.

شرایط استناد به دفاتر تجارتي در مواد (۱۴) قانون تجارت و (۱۲۹۷) و (۱۲۹۹) قانون مدني ذکر گردیده است.

اسناد، بیمه، عملیات بانکی و غیره، پیچیدگی خاصی پیدا کرده که طبیعتاً تحویلی در زمینه تنظیم دفاتر و استفاده از شیوه‌های پیشرفته حسابداری را، ایجاب می‌نماید. نقش مهم و تعیین کننده دفاتر مزبور برای بازرگانان، بویژه در هنگام استفاده از آنها به عنوان دلیل و مدرک در دعاوی مربوطه، انکار ناپذیر است. مضافاً به اینکه، فواید دولتی اینگونه دفاتر را نیز، نمی‌توان از نظر دور داشت.

با عنایت به اهمیت دفاتر تجارتي و جایگاه آن در مسائل فوق الذکر، قانونگذار باید مقرراتی متناسب با این دفاتر را تنظیم و یا مقررات موجود را اصلاح نموده تا نواقص قانونی برطرف گردد.

یکی از ضعفهای موجود، ماده (۱۵) قانون تجارت می‌باشد. این ماده مجازات تخلف از مواد (۶) و (۱۱) قانون مزبور^۳ را

موارد مشخصی، تعیین نگردیده ولی بدیهی است در مواردی که طرف یکنوع حقی در تمام دارائی تاجر پیدا می‌کند و مانند شریک او می‌گردد باید اجازه مراجعه به تمام دفتر داده شود (مانند دعوی ارث بازرگان، دعوی ورشکستگی علیه او، پیش بینی ابراز کلی دفاتر در قراردادهای تجارتي، ابراز دفاتر جهت تعیین مالیات و غیره^۱) و در موارد دیگر به ارائه صفحه معین دفتر اکتفا شود. البته تعیین صفحه معین برای مدعی مشکل است و این اشکالات در عمل باید رفع شود.^۲

نتیجه گیری:

دفاتر تجارتي بعنوان وسیله تعیین وضعیت معاملات و عملیات تاجر، اهمیت زیادی دارد؛ بخصوص در زمانی که اینگونه عملیات با اتکاء به شیوه‌های جدید و پیشرفته امروزی، در زمینه بیع، حمل و نقل، مبادلات

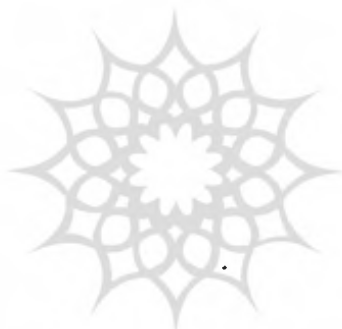
۱- محمدصقري، پیشین، ص ۸۹.

۲- اعظمی زنگنه، پیشین، ص ۳۹.

۳- ماده (۶) قانون تجارت می‌گوید: «هرتاجری به استثناء کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه بموجب نظامنامه، قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد: ۱- دفتر روزنامه ۲- دفتر کل ۳- دفتر دارایی ۴- دفتر کسبه» همچنین ماده (۱۱) قانون مزبور مقرر می‌دارد: «دفاتر مذکور در ماده (۶) به استثناء دفتر کسبه، قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد توسط نماینده اداره ثبت - که مطابق نظامنامه وزارت دادگستری معین میشود- امضاء خواهد شد. برای دفتر کسبه امضاء مزبور لازم نیست ولی باید اوراق دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد.»

مبلغ دو یست تا ده هزار ریال جزای نقدی تعیین نموده که این مبلغ با توجه به میزان ارزش پول در زمان فعلی و اهمیت قابل توجه دفاتر تجارتهی و نقش مهم امضاء و پلمب، در اعتبار بخشیدن به آنها، قابل قبول نمی باشد. همچنین باید مقرراتی در مورد مجازات

عدم ثبت عملیات تجارتهی در دفاتر مذکور و تشخیص اینکه آیا تاجر تمام عملیات مربوطه را ثبت نموده یا خیر، وضع گردد تا علاوه بر ایجاد اعتماد بیشتر برای افراد طرف معامله با تاجر، از نظر مالیات نیز دولت بتواند مبلغ واقعی آن را تعیین و از تاجر اخذ نماید.



فهرست منابع و مآخذ

- ۱- اعظمی زنگنه عبدالحمید، حقوق بازرگانی، بی تا، ۱۳۵۳.
- ۲- صقری، محمد، جزوه حقوق تجارت، تهران: انتشارات دانشکده علوم قضایی، بی تا.
- ۳- عرفانی محمود، حقوق تجارت، دو جلد: تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷، جلد اول.
- ۴- کاتبی حسینقلی، حقوق تجارت، تهران: انتشارات کتاب فرزان، ۱۳۶۳.
- ۵- کیانی کریم، حقوق بازرگانی، بی جا: بی تا، ۱۳۵۴.
- ۶- قانون تجارت ومدنی- آئین نامه نحوه تنظیم ونگهداری دفاتر.